کنترل فساد؛ راهبردی محتوم در حکمرانی خوب

(رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری)

مصطفی حیدری هراتمه *[1] بهنام ابراهیمی[2] محمد بصیری صدر[3]

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیست و هفتم، شماره ۱۰۵، زمستان ۱۴۰۳

20.1001.1.1735501.1403.27.105.2.3

چکیده

زمینه و هدف: تحقیق حاضر باهدف تبیین مؤلفه‌های حکمرانی خوب با رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری در نظر گرفته شد. بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که حکمرانی خوب شامل دولت و حاکمیت به‌عنوان یک‌نهاد توانمند، در چارچوب قانون اساسی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، شهروندان متعهد و ساختار نهادی بین‌المللی/جهانی است. مشارکت و تعامل را در یک محیط ملی و بین‌المللی به‌طور فزاینده پیچیده، متنوع و پویا، ترویج می‌کند. میراث فرهنگی، ارزش‌های سنتی، واقعیت‌های زیست‌محیطی، فرهنگ سیاسی و ساختار اقتصادی باید در تعریف و تعیین مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نظر گرفته شوند. با توجه به تحقیقات و مطالعات متعدد، مؤلفه‌های زیادی برای حکمرانی خوب گزارش‌شده است اما در این مطالعه مؤلفه‌های ارائه‌شده در برنامه توسعه سازمان ملل متحده در نظر گرفته‌شده و با استفاده از طرح سؤال از طریق هوش مصنوعی (AI) و برنامه ChatGPT همین مولفه‌ها در پاسخ ارائه شدند. در بخش مدل‌سازی، روابط بین مجموعه مؤلفه‌ها تعیین گردید. بر اساس میزان قدرت نفوذ و وابستگی آن‌ها، مؤلفه «کنترل فساد» به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شد، مؤلفه ایی که هرگونه اقدامی در مورد آن، علاوه بر اینکه مستقیماً بر سایر مؤلفه‌ها اثر می‌گذارد، می‌تواند در قالب بازخورد از سایر مؤلفه‌ها بر خود، تأثیرپذیر باشد. به این معنا که حکمرانی خوب عدالت پایه در سایه کنترل فساد تحقق پیدا می‌کند. کنترل فساد؛ واژه‌ایی که گمشده و مورد انتظار تمام عدالت خواهان جامعه بشری است و در راستای جمله تاریخی و ماندگار مقام معظم رهبری است که فرمودند: «با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را پاک کرد».

واژگان کلیدی:

حکمرانی خوب، کنترل فساد، هوش مصنوعی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری

---

[1] دانشیار گروه اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران (نویسنده مسئول).
heidarimu@yahoo.com

[2] دانش‌آموخته مدیریت بازرگانی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران
Farahmandnia1000@gmail.com

[3] دکتری رشته جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Basiri.mohamad56@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

معاهدات با توجه به پیشرفت جوامع، دانش بشری و زیست آگاهانه، تغییرات مفاهیم و رویکردها در علوم اجتماعی به‌سرعت و آنی شکل می‌گیرد و پیوسته به حوزه‌های مطالعاتی جدید تبدیل شده که مورد توجه محققان قرار می‌گیرند. برخی از این حوزه‌های تحقیقاتی جدید درهم آمیخته و به تدریج در قالب پارادایم‌های جدیدی بروز پیدا می‌کنند که نشانگر چرخش علمی است و موجب تغییر جهت و روند معناداری در فعالیت‌های علمی، ایده‌ها و اقدامات کارگزاران می‌شود. مصداق چنین مطالعاتی، تحقیقات در حوزه حکمرانی است که اخیراً به چنین پارادایمی تبدیل شده است. اگرچه علاقه و تمایل به مفهوم حکمرانی در طول دو دهه اخیر به شدت افزایش‌یافته است، اما اصطلاح جدیدی نیست، بلکه به قدمت تمدن یا تاریخ بشریت، دارای پیشینه است (فرازمند ۱۳۹۲، ص ۳۴۹). به عنوان یک مفهوم، حکمرانی با تاریخ بسیار طولانی، همواره با ساختارهای قدرت و سلطه همراه بوده است (تی هانن، ۲۰۰۴)؛ بنابراین در عصر حاضر، حکمرانی، نه‌تنها مرحله کانونی گفتمان توسعه را اشغال می‌کند، بلکه به عنوان مؤلفه اساسی در سیاست توسعه کشورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه گنجانده می‌شود (هی، ۲۰۰۰). علیرغم اهمیت فزاینده‌ای که برای محققان، دست‌اندرکاران توسعه، سیاست‌گذاران و آژانس‌های حمایتی بین‌المللی دارد، حکمرانی تا یک «محصول نهایی» فاصله زیادی دارد؛ اما مفهومی پویا و قابل‌بررسی تحلیلی و نظام‌منداست (فرازمند ۱۳۹۱، ص ۳۵۱). پیر و پیترز (۲۰۰۰، ص ۷) ادعا کرده‌اند که اصطلاح حکمرانی به طرز بدنامی لغزنده و بی‌اعتبار است و دلیل آن را در مفهوم خود واژه حکمرانی می‌دانند، چرا که تا نقطه استقرار معنایی فاصله زیادی دارد. در این راستا، اشنایدر (۲۰۰۴، ص ۲۵) نیز این ایده را مطرح می‌کند که ابهام مفهومی اصطلاح «حکمرانی» درواقع «راز موفقیت آن» است. نفوذ سیاسی بیش‌ازحد و کنترل بوروکراتیک بر دولت و حکومت مرکزی و محلی، عامل شرایط فقر گسترده، فساد، رکود اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، اولویت‌های مغشوش، هرج‌ومرج و نقض حقوق بشر شهروندان و غیرشهروندان به‌طور یکسان شناخته شده است (جریسات، ۲۰۰۴). همچنین بدیهی است که غنا یا فقر هر ملتی به شرایط و وضعیت حکمرانی آن، و نه صرفاً به میزان منابع طبیعی و مواهب مادی آن، وابسته و همراه باشد (ورلین، ۲۰۰۳). افزودن واژه «خوب» به اصطلاح حکمرانی از دهه ۹۰، موردتوجه و تأکید نهادهای مردم‌نهاد و به‌طور خاص، آژانس‌های حمایتی بین‌المللی قرارگرفته است. با این توجیه که حکمرانی خوب به‌عنوان یک دستور و الزام برای کشورهای دریافت‌کننده کمک در نظر گرفته شد. درواقع، به‌عنوان پیش‌شرطی برای کشورهای

دریافت‌کننده کمک و حمایت، به پدیده‌ای رایج در ادبیات آژانس‌های حمایتی بین‌المللی تبدیل‌شده است (رودز، ۱۹۹۷). درواقع حکمرانی خوب، شرطی است تا دموکراسی بهتر در کشورهای درحال‌توسعه ایجاد شود. با این حال، علیرغم مطالعات متعدد و بررسی حکمرانی از جنبه‌های مختلف و متعدد به همراه، نظریه‌ها و مدل‌های موجود، هنوز، یک اجماع مشترک در مورد چارچوب نظری آن وجود ندارد. لذا ضمن اینکه از اهمیت بالقوه‌ایی برخوردار بوده، ضرورت دارد که بسته به فاکتورهای متعدد؛ همچون شرایط فرهنگی، المان‌های تمدنی، تاریخی و زیست اجتماعی امروزی، به آن پرداخته و در سایه درآمیختگی نتایج و یافته‌های آن، به‌طور نسبی به یک اجماع نظری دست‌یافت. ازاین رو مطالعه حاضر در راستای تحقق این هدف مهم و رفع شکاف علمی، نظری آن و با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی خوب، برگرفته از برنامه توسعه سازمان ملل متحده و مقوم به مفهوم عدالت پایه معطوف به نگاه جامعه‌شناختی زیست‌بوم ایران، مدنظر قرارگرفته و تحریر شده است. در ادامه، ابتدا نگاهی تحلیلی به تصویر تعریفی و چارچوب نظری مفهوم حکمرانی خوب و مؤلفه‌های گزارش شده سازمان ملل متحده، صورت گرفته و از طریق روش‌شناسی مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط و تعاملات بین مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر پایه عدالت تعیین و بر اساس میزان قدرت نفوذ و وابستگی مؤلفه‌ها، سطح‌بندی مؤلفه صورت می‌گیرد و در نهایت، نتایج و یافته‌های آن مورد بحث قرار می‌گیرد. نوآوری مطالعه‌ی حاضر نسبت به سایر مطالعات صورت گرفته از دو جنبه قابل بررسی است. نخست روش‌شناسی پژوهش می‌باشد که مطالعه‌ایی در باب حکمرانی با تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری صورت نگرفته است و دوم اینکه از طریق هوش مصنوعی[1] و برنامه ChatGPT، مؤلفه‌های حکمرانی خوب که برگرفته از برنامه توسعه سازمان ملل متحد می‌باشد، مورد بررسی مجدد قرار گرفت که کاملاً همسو و سازگار با یکدیگر بودند.

۲- ادبیات موضوع و پیشینه

محققان زیادی برای حکمرانی، تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند؛ اما علیرغم اینکه وجوه افتراق زیادی بین این تعاریف وجود دارد اما فصل اشتراک همه این‌ها این است که حکمرانی یک واژه‌ی سیاسی مرتبط با حاکمیت است و با واژه «دولت» تفاوت معنایی دارد هرچند قرین به یکدیگر هم می‌باشند. دولت به معنای افرادی است که دارای اختیارات قانونی، رسمی؛ قدرت و نیروی پلیسی، بوده و مردان اجرایی فعالیت‌ها به شمار می‌روند درحالی‌که حکمرانی معطوف به فعالیت‌هایی است

1. Artificial intelligence = AI

که شهروندان و سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد و خیره، با اهداف مشترک ایجاد و اجرایی می‌کنند (اسیدو، ۲۰۱۸). علیرغم مطالعات متعددی در ارتباط با حکمرانی، هنوز ادبیات جامع و کلیت شمولی در این ارتباط شکل نگرفته است بنابراین با قاطعیت می‌توان اظهار کرد که ادبیات مرتبط با حکمرانی در حال رشد و گسترش می‌باشد. گراهام و همکاران (۲۰۰۳)، حکمرانی را تعامل میان ساختارها، فرآیندها و سنت‌ها تلقی می‌کنند که تعیین می‌کنند چگونه قدرت و مسئولیت‌ها اعمال می‌شوند، چگونه تصمیم‌ها گرفته می‌شوند و چگونه شهروندان و سایر ذینفعان نظر خود را بیان می‌کنند؛ بنابراین، حکمرانی در مورد قدرت، پاسخگویی به سؤالاتی همچون؛ چه کسی نفوذ دارد، چه کسی تصمیم می‌گیرد و چگونه تصمیم‌گیرندگان پاسخگو هستند، می‌پردازد. در واقع حکمرانی همچون عاملی نظام‌مند با تمرکز بر ساختارهای قدرت و هدایت آن‌ها به سمت پاسخگویی، توجه به اصول مردم‌سالاری و تعمیق و تأمین فرایندهای انتخاباتی درصدد ایجاد یک رابطه و تعامل باز و مشروع بین جامعه مدنی و دولت می‌باشد. با مرور و بازتفسیر ادبیات مدیریت و سیاست عمومی، دو رویکرد متفاوت حاصل می‌گردد. بعد مفهومی اول، بانک جهانی (۱۹۹۴)، حکمرانی را روشی تعریف می‌کند که در آن قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور برای توسعه اعمال می‌شود. درواقع، بانک جهانی در تعریف خود، جنبه‌های اداری حکمرانی را برجسته می‌کند که بر موضوعات عمده تأکید دارد: اصلاح خدمات کشوری یا اجتماعی، کوچک‌سازی بخش عمومی، ارائه خدمات، انعقاد قرارداد مشارکت یا مداخلات عمومی و همچنین ظرفیت‌سازی نهادی. از بعد مفهومی دوم، کویمان (۱۹۹۳) حکمرانی را به‌عنوان اشکالی تعریف می‌کند که در آن بخش‌های دولتی یا خصوصی، نه به‌طور جداگانه، بلکه در ارتباط با سایر کنشگران یا بازیگران جامعه، درگیر حل مسئله می‌شوند؛ بنابراین، این رویکرد، حکمرانی را به‌عنوان اشکالی از کنش چند سازمانی می‌بیند تا اینکه فقط نهادهای دولتی را درگیر کند. درواقع، این نوع تعاریف نقش دولت را بازتعریف کرده و حکمرانی را از مدیریت دولتی سنتی متمایز کرده است و این نقطه شروع فکری و مفهومی برای ظهور حکومت عمومی جدید، پارادایم مدیریت بخش عمومی در قالب واژه‌ی حکمرانی جهت رسیدن به یک اجماع نظری است. بررسی مطالعات موجود نشان می‌دهد که تعاریف متعدد حکمرانی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و گاها می‌تواند همدیگر را تقویت کنند. هرچند تفاوت‌های اندک در معانی آن، احساس می‌شود. به‌طور اجمالی می‌توان گفت تعاریف صورت گرفته مرتبط با حکمرانی قریب به اتفاق بر سه حوزه: تمرکززدایی، یک سیستم حکمرانی مردم محور و افزایش مشارکت مردم از طریق حکمرانی شبکه‌ای، تأکید مؤکد دارند. ازاین‌رو

حکمرانی به عنوان یک سیستم باید از نظر سیاسی، خنثی و بدون گرایش خاص؛ از نظر مردم و نگاه محلی، قابل اعتماد و نهایتاً به ندرت ایستا، باشد. عملکرد خوب حکمرانی متأثر از مؤلفه‌هایی همچون؛ مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، ظرفیت تجمیع و هماهنگ کردن منافع مختلف به‌منظور ایجاد اجماع در سیاست‌ها، اثربخشی به همراه کارایی در فعالیت‌ها، پاسخگویی و شفافیت، برابری، می‌باشد. «حکمرانی» با افزودن واژه «خوب» به آن، در گفتمان توسعه ایی در کشورهای در حال توسعه با عنصری مضاعف همراه شده است (اصغرزاده و همکاران، ۱۴۰۰). همواره این پرسش مطرح می‌شود که چه چیزی حکمرانی را خوب می‌کند. این سؤال بسیار مناسب است، زیرا اصطلاح «حکمرانی خوب» ظاهراً به یک ارزش بسیار مطلوب تبدیل شده است (ظفرالله و هوک، ۲۰۰۱)، نیروی نفوذ یا محرکه زمان (فرازمند، ۲۰۱۲) و یا وسواس بحث‌های توسعه جاری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه) ویلیامز و یانگ، ۱۹۹۴ مروری بر ادبیات موجود و مطالعات صورت گرفته، تفاسیر متفاوتی از واژه حکمرانی خوب ارائه می‌دهد. به عنوان یک مفهوم، «حکمرانی خوب» تعریف مستقیمی ندارد، اگرچه در گفتمان توسعه به‌سرعت در حال گسترش بوده است (وارتولا و همکاران، ۲۰۱۰). به‌طورکلی، حکمرانی خوب با مدیریت کارآمد و اثربخش در چارچوبی دموکراتیک همراه است. معادل مدیریت هدفمند و توسعه محور است که متعهد به بهبود کیفیت زندگی مردم و گسترش دامنه مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری توسعه است. به‌طور خلاصه، یک سیستم دولتی محلی غیرمتمرکز، شهروند دوست، مراقبت از شهروندان، پاسخگو؛ یک جامعه سیاسی مستقل؛ بوروکراسی کارآمد و پاسخگو؛ جامعه مدنی قوی؛ و یک رسانه آزاد است (هوک، ۲۰۰۱؛ مینوچا، ۱۹۹۸؛ استاو، ۱۹۹۲). تولید مشترک خدمات بین ارائه‌دهندگان خدمات عمومی و کاربران خدمات اغلب به عنوان یک تازه‌وارد مرتبط، به عنوان یک عنصر در ایجاد حکمرانی خوب مورد توجه قرارگرفته است (تورناس، ۲۰۱۶). با وجود استخراج مؤلفه‌های فوق اما طبق گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۲، هیچ پاسخ واحدی برای این سؤال وجود ندارد که حکمرانی خوب چیست. بااین‌حال، عوامل تأثیرگذارتر نهادها و قوانین مانند شفافیت، مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون و ایجاد و حفظ توسعه عادلانه را می‌توان از ویژگی‌های حکمرانی خوب برشمرد. بانک جهانی نیز شاخص‌هایی همچون؛ پاسخگویی سیاسی، آزادی تشکل‌ها یا نهادها و مشارکت، حاکمیت قانون و استقلال قوه قضائیه، پاسخگویی بوروکراتیک، آزادی اطلاعات، سیستم اداری سالم، مشارکت بین دولت و سازمان‌های جامعه مدنی و مواردی ازاین‌دست را به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی خوب گزارش نموده است برنامه پیشرفت و توسعه سازمان ملل متحد (۲۰۰۲)

همچنین استدلال می‌کند که حکمرانی خوب به سه دلیل باعث پیشرفت توسعه پایدار می‌شود (کالتنبرن، ۲۰۲۰). اولاً، برخورداری از آزادی سیاسی و شرکت در تصمیماتی که زندگی فرد را شکل می‌دهد، از اساسی‌ترین عناصر حقوق بشر است. ثانیاً به محافظت مردم در برابر فجایع و شوک‌های ناگهانی اقتصادی و سیاسی کمک می‌کند و درنهایت، چون‌که می‌تواند با توانمندسازی شهروندان برای تأثیرگذاری بر سیاست‌هایی که رشد و شکوفایی را ترویج می‌کنند و اولویت‌های آن‌ها را منعکس می‌کنند، توسعه پایدار را ارتقا دهد. از بحث فوق باید به این نکته اشاره کرد که مفهوم حکمرانی خوب ازنظر تعریف، مفاهیم اخلاقی و سودمندی آن هنوز در حال توسعه بوده و می‌باشد (کروتر، ۱۹۹۶). البته باید اشاره کرد که منتقدان تئوری حکمرانی خوب بر این باورند که حکمرانی خوب به‌عنوان ابزاری - درست مانند حقوق بشر و دموکراسی - برای کسب مزیت سیاسی به‌جای کمک واقعی به مردم استفاده می‌شود (فرازمند ۱۳۹۲، ص ۳۵۵).

اصول و مؤلفه‌های حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل متحده هشت ویژگی عمده دارد شامل: «مشارکت، اجماع محوری، پاسخگو بودن، شفافیت، مسئولیت‌پذیر، اثربخش و کارآمد، عادلانه، فراگیر و همگانی، پیروی از حاکمیت قانون پیروی». حکمرانی خوب، در تئوری و عمل؛ فساد را حداقل نموده، صداها و نظرات اقلیت‌ها، آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه را مدنظر قرار گرفته و در تدابیر و سیاست‌گذاری‌ها دخالت می‌دهند و اینکه پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مرتبط با اعمال و تصمیمات مسئولین را افزایش و بهبود می‌بخشد. شیوه‌های حکمرانی خوب بر اساس اصول آن، عبارتند از: (گراهام و همکاران ۲۰۰۳).

اصل اول: مشروعیت و صداها[1]

مشارکت:[2]

همه جنسیت‌ها باید در تصمیم‌گیری‌ها، چه به‌طور مستقیم یا از طریق نهادهای میانجی قانونی که نشان‌دهنده قصد آن‌ها هستند، صدایی داشته باشند. چنین مشارکت گسترده‌ای بر اساس آزادی اجتماع و بیان و همچنین ظرفیت‌های مشارکت سازنده بنا شده است.

---

2. Legitimacy and Voices
3. Participation

اجماع محور:[۱]

میانجیگری منافع مختلف برای دستیابی به یک اجماع گسترده در مورد آنچه به نفع گروه است و در صورت امکان، در مورد سیاست‌ها و رویه‌ها. در یک جامعه، کنشگران یا بازیگران، کنشگران متعدد و به همان تعداد، دیدگاه وجود دارد. حکمرانی خوب مستلزم میانجیگری منافع مختلف در جامعه، جهت دستیابی به یک اجماع گسترده در مورد اینکه چه چیزی به نفع کل جامعه است و چگونه می‌توان به آن دست‌یافت، می‌باشد. همچنین مستلزم دیدگاهی گسترده و بلندمدت در مورد آنچه برای توسعه پایدار انسانی موردنیاز است و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای است. این تنها می‌تواند ناشی از ادراک گستره‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه (اقشار مختلف جامعه) یا قشر و گروه مشخصی از افراد جامعه باشد.

اصل دوم: هدایت‌گری[۲]

چشم انداز استراتژیک:[۳]

چشم‌انداز استراتژیک؛ وضعیت آینده مطلوبی است که یک نهاد یا ارگان امیدوار است به آن برسد. اساساً هدف استراتژیک است. درواقع تصویر تخیلی از وضعیت آینده اموری است که آرزوی دستیابی به آن وجود دارد. چشم‌انداز معمولاً یک سطح هدف بالا و کمتر خاص در مقایسه با یک هدف تجاری (سطح متوسط) یا یک هدف (سطح پایین) است. چشم‌انداز را نباید با مأموریت یا با بیانیه مأموریت اشتباه گرفت. چشم‌انداز استراتژیک اصطلاح گسترده‌ای است که برای توصیف یکی از عناصر ضروری یک تلاش کلی برنامه‌ریزی استراتژیک استفاده می‌شود. اساساً چشم‌انداز شناسایی هدف یا هدف نهایی است. در این زمینه، چشم‌انداز استراتژیک به تعیین پارامترهایی برای توسعه برنامه‌ریزی گام‌های خاص برای تحقق آن چشم‌انداز کمک می‌کند، زیرا جهت کلی را تعیین می‌کند. یک چشم‌انداز کاربردی به‌وضوح فراتر از جایی که امروز است، نگاه می‌کند و تعیین می‌کند در آینده در کجا و کدام نقطه باشد.

---

4. Consensus Oriented
5. Direction
6. Strategic vision

اصل سوم: بهره‌وری[۱]

پاسخگویی:[۲]

نهادها و فرآیندها سعی می‌کنند به همه ذینفعان خدمت کنند. مسئولیت‌پذیری یکی از الزامات کلیدی حکمرانی خوب است. نه‌تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز باید در برابر مردم و مردم پاسخگو باشند. درواقع حکمرانی خوب مستلزم آن است که نهادها و فرآیندها سعی کنند در یک بازه زمانی معقول به همه ذینفعان خدمت کنند.

اثربخشی و کارایی:[۳]

فرآیندها و مؤسسات نتایجی را تولید می‌کنند که نیازها را برآورده می‌کنند و در عین حال بهترین استفاده را از منابع می‌کنند. حکمرانی خوب به این معناست که فرآیندهای نهادها و سازمان‌ها نتایجی را ایجاد می‌کند که نیازهای جامعه را برآورده می‌کند و درعین‌حال بهترین استفاده را از منابع در اختیار دارد. مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست را نیز در بر می‌گیرد.

اصل چهارم: مسئولیت‌پذیری[۴]

مسئولیت‌پذیری:[۵]

تصمیم‌گیرندگان در دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی در برابر عموم و همچنین ذینفعان نهادی پاسخگو هستند. این مسئولیت‌پذیری بسته به سازمان‌ها و داخلی یا خارجی بودن تصمیم متفاوت است.

شفافیت:[۶]

شفافیت متأثر از گردش و جریان اطلاعات به‌صورت آزادانه می‌باشد. بدون هیچ کم و کاستی بایستی در دسترس عموم قرار گیرد تا زمینه درک و نظارت بر آن‌ها فراهم گردد. شفافیت به این معنی است که اطلاعات، آزادانه در دسترس است و به‌طور مستقیم در دسترس کسانی است که تحت تأثیر چنین تصمیماتی و اجرای آن‌ها قرار می‌گیرند. همچنین به این معنی است که اطلاعات کافی ارائه می‌شود و به اشکال و رسانه‌های قابل فهم ارائه می‌شود.

---

7. Performance
8. Accountability
9. Effectiveness and Efficiency
10. Responsibility
11. Responsibility
12. Transparency

اصل پنجم: عدالت[1]

برابری:[2]

هر جنسیتی (مرد و زن) باید از فرصت برابر برخوردار باشند. اصطلاح برابری، Equity به انصاف و عدالت اشاره دارد و از تساوی Equality متمایز می‌شود: درحالی‌که Equality به معنای ارائه یکسان به همه است، Equity به معنای این است که همه از یک مکان شروع نمی‌کنند و باید عدم تعادل پذیرفته و اصلاح گردد.

حاکمیت قانون:[3]

حاکمیت قانون فلسفه سیاسی است که همه شهروندان و نهادها در یک کشور، یا جامعه در برابر قوانین یکسانی ازجمله قانون‌گذاران و رهبران پاسخگو هستند. حاکمیت قانون این‌گونه تعریف شده است: مکانیسم، فرآیند، نهاد، رویه یا هنجاری که از برابری همه شهروندان در برابر قانون حمایت می‌کند، شکل غیرخودسرانه حکومت را تضمین می‌کند و به‌طورکلی از استفاده خودسرانه از قدرت جلوگیری می‌کند (نصیری خلیلی، ۱۳۹۹). واژه حاکمیت قانون ارتباط نزدیکی با اصول مشروطه و همچنین "حکومت قانون"، به‌طور جایگزین "دولت قانونی"، "دولت قانون"، "دولت عدالت" یا "دولت مبتنی بر عدالت و یکپارچگی" دارد و به یک وضعیت سیاسی، نه به هیچ قاعده حقوقی خاصی، اشاره دارد. در نهایت چارچوب‌های قانونی باید منصفانه و بی‌طرفانه اجرا شود، به‌ویژه قوانین مربوط به حقوق بشر. البته با مؤلفه‌های برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز همسو باشند.

---

13. Justice or Fairness
14. Equity
15. Rule of law

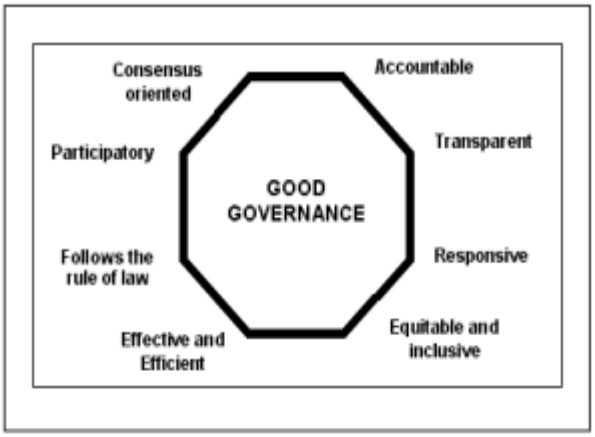

Figure 1: Characteristics of good governance
Mr. Yap Kioe Sheng, Chief, Poverty Reduction Section UNESCAP, UN

علیرغم اینکه در این مطالعه مؤلفه‌های حکمرانی خوب از مؤلفه‌های ارائه شده برنامه توسعه سازمان ملل متحده گرفته شده است اما جهت اطمینان بیشتر از طریق Artificial Intelligence و همچنین ChatGPT با طرح سؤالی مبنی بر اینکه حکمرانی خوب (بد) متأثر از چه عواملی است، پاسخی دریافت گردید که با مؤلفه‌های برنامه توسعه سازمان ملل متحده همسو و سازگار می‌باشد. OpenAI یک آزمایشگاه تحقیقاتی هوش مصنوعی آمریکایی (Artificial Intelligence = AI) است که از شرکت غیرانتفاعی OpenAI Incorporated و شرکت تابعه انتفاعی آن OpenAI Limited Partnership تشکیل شده است. OpenAI تحقیقات هوش مصنوعی را با هدف اعلام‌شده ترویج و توسعه یک هوش مصنوعی دوستانه انجام می‌دهد. سیستم‌های OpenAI بر روی یک پلت‌فرم ابررایانه‌ای مبتنی بر Azure از مایکروسافت اجرا می‌شوند. مدل ChatGPT به روشی محاوره‌ای تعامل دارد. قالب گفتگو این امکان را برای ChatGPT فراهم می‌کند تا به سؤالات بعدی پاسخ دهد، اشتباهات خود را بپذیرد، مقدمات نادرست را به چالش بکشد و درخواست‌های نامناسب را رد کند. ChatGPT یک ابزار پردازش زبان طبیعی است که توسط فناوری هوش مصنوعی هدایت می‌شود و به شما امکان می‌دهد مکالمات انسان‌مانند و خیلی بیشتر با چت بات داشته باشید. مدل زبان می‌تواند به سؤالات پاسخ دهد و در کارهایی مانند نوشتن ایمیل، مقاله و کد به شما کمک کند. در این راستا در ChatGPT سه سؤال مطرح و پاسخ آن به شرح زیر دریافت شد:

الف) چه عواملی باعث ایجاد یک حکمرانی خوب می‌شود؟

مفهوم حکمرانی خوب بسته به زمینه و ارزش‌های جوامع و نظام‌های سیاسی مختلف می‌تواند متفاوت باشد. بااین‌حال، عوامل خاصی وجود دارند که معمولاً برای حکمرانی خوب ضروری در نظر گرفته می‌شوند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱. حاکمیت قانون: یک سیستم حقوقی با عملکرد خوب که منصفانه، بی‌طرف بوده و حمایت یکسانی را برای همه شهروندان فراهم می‌کند.

۲. شفافیت: باز بودن و پاسخگویی در فرآیندهای تصمیم‌گیری، ازجمله دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی و قوانین و رویه‌های روشن.

۳. پاسخگویی: سیاست‌ها و اقدامات دولت که پاسخگوی نیازها و خواسته‌های شهروندان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده است.

۴. کارایی و اثربخشی: توانایی دستیابی به نتایج مطلوب به‌موقع و مقرون به‌صرفه.

۵. مشارکت: مشارکت شهروندان و سازمان‌های جامعه مدنی در فرآیند سیاست‌گذاری و همچنین فرصت‌هایی برای شهروندان برای پاسخگویی مقامات دولتی.

۶. برابری و فراگیری: تضمین دسترسی برابر همه شهروندان به خدمات و منابع عمومی و در نظر گرفتن نیازهای گروه‌های به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر.

۷. اجماع محور: تشویق گفتگو و همکاری بین ذینفعان برای ایجاد اجماع و رسیدگی به منافع متضاد.

۸. چشم‌انداز استراتژیک: توانایی توسعه و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های بلندمدت که توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی را ترویج می‌کند.

ب) چه عواملی باعث ایجاد یک حکمرانی بد می‌شود؟

حکمرانی بد می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، ازجمله:

۱. فساد: سوءاستفاده از قدرت برای منافع شخصی یا منفعت عده‌ای معدود که منجر به تخصیص نادرست منابع عمومی، طرفداری و عدم پاسخگویی می‌شود.

۲. عدم شفافیت و پاسخگویی: این امر می‌تواند منجر به فساد، خویشاوندی و طرفداری شود و اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را از بین ببرد.

۳. نهادهای ضعیف یا ناکارآمد: بوروکراسی‌ها، سیستم‌های حقوقی و سایر سازمان‌های دولتی با عملکرد ضعیف می‌توانند توانایی دولت برای ارائه خدمات عمومی و اجرای قوانین را تضعیف کنند.

۴. فقدان اراده سیاسی: زمانی که سیاستمداران بیشتر به فکر حفظ قدرت و ثروت خود هستند تا خدمت به منافع عمومی، ممکن است دست به اقداماتی بزنند که برای حکمرانی خوب مضر است.
۵. مشارکت محدود شهروندان: زمانی که شهروندان از فرآیند تصمیم‌گیری کنار گذاشته می‌شوند، ممکن است احساس بیگانگی نسبت به دولت کنند و کمتر مسئولین را مسئول بدانند.
۶. منابع ناکافی: منابع محدود می‌تواند ارائه خدمات اساسی و زیرساخت‌ها را برای دولت‌ها دشوار کند و منجر به مشکلات اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی شود.
۷. تبعیض و نابرابری: هنگامی‌که گروه‌های خاصی از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته می‌شوند، ممکن است از حق رأی محروم شوند و از دولت رنجیده شوند.
۸. سرکوب مخالفان: هنگامی‌که دولت برای خاموش کردن مخالفان یا محدود کردن آزادی بیان و اجتماع از زور یا ارعاب استفاده می‌کند، می‌تواند نهادهای دموکراتیک و حقوق بشر را تضعیف کند.
**. این عوامل می‌تواند منجر به عدم اعتماد به دولت، ناآرامی‌های اجتماعی و عدم رسیدگی به مسائل مبرم اجتماعی و اقتصادی شود. به‌طور کلی، حکمرانی بد با فقدان شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری نسبت به نیازهای شهروندان و عدم رعایت اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون مشخص می‌شود.

ج) مهم‌ترین عامل بد حکمرانی چیست؟

مشخص کردن مهم‌ترین عاملی که باعث حکمرانی بد می‌شود، دشوار است، زیرا اغلب شامل تعامل پیچیده‌ای از عوامل مختلف است. بااین‌حال، فساد اغلب به‌عنوان یک عامل کلیدی ذکر می‌شود که می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی حکمرانی خوب را تضعیف کند. هنگامی‌که مقامات دولتی از قدرت خود برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کنند، می‌تواند منجر به تخصیص نادرست منابع عمومی، عدم شفافیت و کاهش عمومی اعتماد به نهادهای دولتی شود. فساد همچنین می‌تواند بر سایر جنبه‌های حکمرانی، مانند تضعیف حاکمیت قانون و محدود کردن مشارکت شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، تأثیرات موجی داشته باشد. علاوه بر این، زمانی که فساد در یک جامعه ریشه دوانده است، ریشه‌کن کردن آن دشوار است و می‌تواند به چرخه معیوب فساد بیشتر و حکمرانی بد منجر شود.

پیشینه پژوهش

نویسندگان	اهداف و یا سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
حاتمی، هدایت؛ درخشانی درآبی و کاوه، حسنوند، داریوش ۱۴۰۲	تأثیر کیفیت حکمرانی بر مزیت صادراتی محصولات صنعتی	کیفیت نهادی و حکمرانی مطلوب از طریق ایجاد محیط باثبات و کاهش هزینه‌ها درنهایت منجر به بهبود مزیت رقابتی در تولیدات صنعتی می‌گردد. بر اساس نتایج، ثبات سیاست‌گذاری، شفافیت قوانین و قراردادها، توجه به حقوق مالکیت و همچنین قاطعیت و سرعت بررسی دعاوی قراردادها پیشنهاد می‌شود.
فشارکاظمی، محمدعلی ۱۴۰۲	بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه حکمرانی اسلامی در سازمان‌های دولتی شهرستان عسلویه	عوامل فرهنگی بر توسعه حکمرانی اسلامی در سازمان‌های دولتی شهرستان عسلویه تأثیر مثبت دارند.
عبداله نسب، محمدرضا و میرزازاده، فرامرز ۱۴۰۱	شاخصه‌های حکمرانی خوب در نظام اسلامی: با تأکید بر اندیشه آیت‌الله شهید بهشتی	در این تحقیق به بررسی تحلیلی - تطبیقی شاخص‌های حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات و مبارزه با فساد از منظر بهشتی پرداخته و رد پای نهادینه شدن آن‌ها را در تلاش وی برای طرح و تصویب آن‌ها در مجلس خبرگان قانون اساسی جست‌وجو کرده‌ایم. درنهایت، این تحقیق به این نتیجه رسیده است که این شاخص‌ها به دلیل طرح شدنشان در چارچوب نظام سیاسی امت و امامت، ضمن انطباق شکلی و ساختاری با نظریه‌های مدرن، ازلحاظ محتوای دارای تعابیر و موازین اسلامی است.
میرحاجی، علیرضا و رضوانی، مریم، ۱۴۰۱	الگوی حکمرانی خوب و تأثیر آن در کاهش فساد	حکمرانی خوب تأثیری در کاهش فساد اداری، افزایش مشارکت عمومی و تحقق آزادی‌های معنوی دارد و نظارت عمومی هم تأثیری در تقویت حکمرانی خوب دارد.
میر رجبی، سید علی؛ قدسی، سیدابراهیم و هادی تبار، اسماعیل ۱۴۰۱	چالش‌های پیشگیری وضعی از فساد قضایی با تمرکز بر شفافیت و نظارت	مصادیق و مواردی از جرائم مانند ارتشاء، سوءاستفاده از موقعیت شغلی، بازداشت غیرقانونی و مجموعه‌ای از تخلفات انتظامی در ذیل عنوان فساد قضایی جای می‌گیرند که دارای آثار سوء جدی بر جامعه بوده و علاوه بر روش‌های پیشگیری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، کنترل آن در کوتاه‌مدت نیازمند به‌کارگیری روش‌های پیشگیری وضعی است. ازجمله مهم‌ترین ابزارهای

		پیشگیری وضعی از جرائم می‌توان بر دو عامل شفافیت و نظارت اشاره کرد.
پروین، خیراله؛ ۱۴۰۰	بررسی کاربست اصول حکمرانی درگذر از چالش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران	با کاربست اصول حکمرانی خوب به‌عنوان یک الگوی کارآمد می‌توان با ارتقاء و بهبود مؤلفه‌هایی چون پاسخگویی، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت‌جویی، مسئولیت‌پذیری و... به‌سلامت هر چه بیشتر نظام اداری دست‌یافت و پیوندهای حکومت و ملت را غنا بخشید.
بهروزی، محمد، پورکیانی، مسعود، درخشان، مژگان و محمد باقری، مهدی ۱۳۹۸	بررسی رابطه شاخص‌های کیفیت و حاکمیت قانون و کنترل فساد بر شاخص رفاه لگاتوم	بین شاخص فساد اداری و شاخص رفاه لگاتوم رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد، همچنین بین فساد قانونی و شاخص رفاه لگاتوم ارتباط معنی‌دار و منفی مشاهده شد؛ اما بین فساد سیاسی و شاخص رفاه لگاتوم ارتباط معنی‌داری مشاهده نگردید؛ همچنین بین شاخص‌های کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون با شاخص رفاه لگاتوم هم رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد
اختری، سجاد و دارابی، لطف ا...، ۱۳۹۸	شفافیت از دیدگاه حکومت اسلامی و حکمرانی خوب	در حکمرانی مطلوب از طریق اصل شفافیت و انتشار اطلاعات صحیح به شهروندان و جامعه به‌طور خودکار، زمینه‌های اصلاح، کاهش فساد، پاسخگویی، کارآمدی، مسئولیت‌پذیری فراهم شود. درمجموع می‌توان گفت که شفافیت موجب انفتاح و آزادی از سمت مقامات دولتی نسبت به جامعه، مشارکت و نظارت از سوی مردم و سرانجام رفتار درست و مطابق قانون از سوی همگان خواهد شد.
امامزاده‌ئی محمدرضا، ۱۳۹۸	نقش حاکمیت قانون در ارتقای سلامت اداری	ضمن ارائه اشکال گوناگون فساد، به نقش قوانین تضمین‌کننده مبارزه با فساد در جامعه اشاره دارد
فدایی، مهدی و غفاری، سعید. ۱۳۹۶	بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران	شاخص کیفیت قوانین با ضریب ۲/۴ بیشترین تأثیر را بر کاهش فساد داشته و شاخص اثربخشی دولت با ضریب ۰/۰۱، دارای کمترین تأثیر است؛ همچنین افزایش شاخص‌های اندازه دولت و تورم به افزایش میزان فساد منجر خواهد شد. افزایش شهرنشینی نیز نوعی پرسشگری ایجاد می‌کند و نظارت را افزایش می‌دهد که درنهایت به کاهش فساد منجر می‌شود.

کریمی، محمدشریف؛ دورباش، معصومه و حیدریان، مریم ۱۳۹۶	بررسی نقش و اثرات حکمرانی خوب در رشد اقتصادی ایران	حکمرانی دارای تأثیرگذاری مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی است. نتایج سایر متغیرها نیز دال بر وجود رابطه مثبت بین نرخ اشتغال، سرمایه‌گذاری، درآمدهای مالیاتی، مخارج واقعی دولت و نرخ تورم با رشد اقتصادی است. همچنین باز بودن تجاری تأثیر منفی بر رشد اقتصادی ایران داشته است
خاتمی، لیلا، ۱۳۹۶	بررسی فساد اداری از دیدگاه حدیث و قرآن کریم	ارزیابی چیستی فساد و مبارزه با آن به‌عنوان الزامی گریزناپذیر در استقرار یک حکومت آرمانی و عدالت میان مردم و حکمرانان
توکلی، محمد، ۱۳۹۴	درآمدی بر مساله فساد (طرح پژوهشی)	ضمن برشمردن گونه‌های فساد مبتنی بر متون اسلامی، مساله جرم‌شناسی و فسادشناسی در نظام حکومتی و جامعه‌شناسی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسید که حکومت‌های غیر شفاف، فسادپذیرند
فاضلی، محمد و جلیلی کناری، محدثه. ۱۳۹۱	تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب	مهم‌ترین تفاوت کشورهای فاسد و غیرفاسد در فقدان شاخص حکمرانی خوب قابل توجیه است. در جوامعی که درصد جمعیت مذهبی بیشتر است، میزان فساد کمتر است. متغیرهای عوامل فرایندی، در تبیین فساد بیشترین ضریب بتا را نسبت به سه عامل دیگر به دست آوردند و عوامل فرهنگی کمترین ضریب بتا را در بین این عوامل به خود اختصاص داده‌اند. عوامل مؤثر بر فساد، عوامل سیاسی و بعدازآن، عوامل فرایندی در افزایش رتبه پاکی کشورها مهم‌تر از عوامل اقتصادی و مذهب است.
کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه ۱۳۸۷	تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی درگروه کشورهای منتخب OPEC و OECD	ـ ارتباط مثبت و معنی‌داری بین شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه ـ میزان تاثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو اوپک بیشتر از گروه کشورهای عضو غیر اوپک می‌باشد - شاخص کنترل فساد و ثبات سیاسی بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی را دارند.

۳- روش تحقیق

هدف مطالعه حاضر مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی عدالت پایه بر اساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شد. نوع تحقیق، کاربردی، توسعه‌ای است که با استفاده از روش کیفی انجام‌شده است و با استفاده از تحلیلی نوین تحت عنوان مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط بین مجموعه مؤلفه‌ها تعیین گردید. داده‌های از مطالعات موجود، کتب و برنامه‌های توسعه‌ایی سازمان ملل متحد جمع‌آوری‌شده و با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، جهت تعیین روابط میان مجموعه مؤلفه‌ها استفاده‌شده است. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. روابط بین مؤلفه‌ها بر اساس مبانی نظری موجود و مطالعات صورت گرفته تعیین‌شده است اما جهت استحکام بیشتر روایی آن از ۱۵ نفر خبره و استاد دانشگاه نیز بهره گرفته‌شده است که بر اساس فراوانی نظرات و اجماع نظری حاصل‌شده، روابط بین مؤلفه‌ها نهایی شدند.

مدل‌سازی ساختاری تفسیری[1]

مدل‌سازی ساختاری تفسیری روشی اکتشافی برای شناسایی روابط شاخص‌ها و سطح‌بندی آن‌ها مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایانه است. با استفاده از این روش می‌توان الگوی روابط علی و پیچیده میان یک مجموعه از عوامل را شناسایی کرد. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که بر اساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین مؤلفه‌های زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است و برای مطالعات مدیریت و علوم اجتماعی مناسب است. از این روش برای شناسایی روابط میان یک مجموعه عوامل، شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها استفاده می‌شود. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. از این منظر کاربرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشابه روش دیمتل است اما علاوه بر شناسایی روابط به سطح‌بندی شاخص‌ها نیز می‌پردازد. کاربرد اصلی این روش برای پژوهشگران، طراحی الگوی اولیه پس از شناسایی عوامل زیربنایی پدیده موردمطالعه با روش‌های کیفی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ISM استفاده می‌شود. دقت کنید این پرسشنامه تنها یک ماتریس استاندارد است و با پرسشنامه‌های سنجش نگرش با طیف لیکرت تفاوت دارد. مفاهیمی مانند روایی و پایایی نیز در مورد این پرسشنامه مصداق ندارند. در روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تنها از ۰ و ۱ برای تعیین روابط شاخص‌ها استفاده می‌شود بنابراین

---

16. Interpretive Structural Modeling

پاسخ‌دهندگان آزادی چندانی در بیان رابطه شاخص‌ها ندارند. برای انجام مدل‌سازی ساختاری تفسیری پنج گام اصلی برداشته می‌شود:

- تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری
- ماتریس دستیابی
- ماتریس انتقال‌پذیری
- سطح‌بندی شاخص‌ها
- ترسیم نمودار قدرت نفوذ-وابستگی

گام ۱) تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

پس از شناسایی شاخص‌های زیربنایی پدیده مورد مطالعه یک ماتریس مربع n×n از شاخص‌های موجود طراحی می‌شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه ISM است. در این مطالعه شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها به شرح زیر گزارش می‌گردد:

مؤلفه‌های حکمرانی عدالت پایه

1	2	3	4	5	6	7	8	9
A	B	C	D	E	F	G	H	I
عدالت	**حاکمیت قانون**	**شفافیت**	**مسئولیت پذیری**	**اجماع محوری**	**مشارکت**	**بهره‌وری**	**پاسخگویی**	**کنترل فساد**

روابط بین مؤلفه‌های فوق بر اساس نظام قراردادی زیر تبیین می‌شود:

- ✓ ارتباط یک‌طرفه از i به j = ۱
- ✓ ارتباط یک‌طرفه از j به i = -۱
- ✓ ارتباط دوطرفه بین i و j = ۲
- ✓ عدم ارتباط بین i و j = ۰

با استفاده از نمادهای مندرج در جدول فوق الگوی روابط علی میان مؤلفه‌ها تعیین می‌شود. به‌این‌ترتیب ماتریس خودتعاملی ساختاری تشکیل می‌شود.

SSIM - Matrix

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	-	-1	-1	2	2	2	1	2	2
B	1	-	2	2	1	1	1	1	1
C	1	2	-	2	1	2	2	2	2
D	2	2	2	-	2	2	1	2	2
E	2	-1	-1	2	-	2	1	1	1
F	2	-1	2	2	2	-	1	2	2
G	-1	-1	2	-1	-1	-1	-	-1	-1
H	2	-1	2	2	-1	2	1	-	2
I	2	-1	2	2	-1	2	1	2	-

گام ۲) ماتریس دریافتی

ماتریس دریافتی Reachability matrix ماتریس صفر و یک از ماتریس خود تعاملی است. به این صورت که به جای ۱ و ۲ عدد ۱ و برای ۱- و ۰ عدد صفر جایگزین می‌شود. ماتریس به‌دست‌آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک یا خط تیره قرار می‌گیرد.

Initial – Reachability - Matrix

ماتریس دریافتی اولیه

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	1	0	0	1	1	1	1	1	1
B	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C	1	1	1	1	1	1	1	1	1
D	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E	1	0	0	1	1	1	1	1	1
F	1	0	1	1	1	1	1	1	1
G	0	0	1	0	0	0	1	0	0
H	1	0	1	1	0	1	1	1	1
I	1	0	1	1	0	1	1	1	1

گام ۳) ماتریس انتقال‌پذیری

بعدازآنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد باید ماتریس ثانویه طراحی شود. ماتریس مربعی که هریک از سل‌های آن زمانی که درایه به درایه با هر سطری دسترسی داشته باشد، عدد یک و در غیر آن عدد صفر می‌گیرد. حالت‌های ممکن تعدی برای تک‌تک مؤلفه‌ها طبق ماتریس خودتعاملی ساختاری انجام می‌شود و ماتریس زیر به دست می‌آید. حال باید تک‌به‌تک مؤلفه‌ها را بررسی نمود و اگر تغییری به وجود آمد با علامت * ۱ یا رنگ قرمز در ماتریس نشان داده می‌شود.

ماتریس دریافتی نهایی

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	1	1*	1*	1	1	1	1	1	1
B	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C	1	1	1	1	1	1	1	1	1
D	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E	1	1*	1*	1	1	1	1	1	1
F	1	1*	1	1	1	1	1	1	1
G	1*	1*	1	1*	1*	1*	1	1*	1*
H	1	1*	1	1	1*	1	1	1	1
I	1	1*	1	1	1*	1	1	1	1

گام ۴) نمودار قدرت نفوذ - وابستگی

در تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری روابط متعامل و مؤثر بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطح‌ها نمایش داده می‌شود و در اتخاذ تصمیمات توسط مدیران اهمیت زیادی دارد؛ و برای شناخت مؤلفه‌های کلیدی میزان و درجه نفوذ و وابستگی آن‌ها در ماتریس نهایی شکل می‌گیرد.

قدرت یا میزان نفوذ Driving Force : تعداد عناصری که عنصر i ام بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. درواقع میزان تأثیر بر مؤلفه‌های دیگر است که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر سطر در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

قدرت یا میزان وابستگی Dependent Force : تعداد عناصری که بر عنصر i ام تأثیر می‌گذارند. درواقع تأثیرپذیری از مؤلفه‌های دیگر را نشان می‌دهد که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر ستون در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	A	B	C	D	E	F	G	H	I
میزان نفوذ	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
میزان وابستگی	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹

عدد یک در هر سطر و ستون ماتریس دریافتی نهایی به ترتیب، تأثیرگذاری هر مؤلفه بر مؤلفه دیگر و تأثیرپذیری هر مؤلفه از مؤلفه دیگر را نشان می‌دهد.

گام ۵) تعیین روابط و سطح‌بندی مؤلفه

روابط و سطح‌بندی مؤلفه‌ها در ISM متأثر از مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌های ماتریس دریافتی نهایی خواهد بود

- ✓ مجموعه دستیابی (تأثیرگذاری یا خروجی‌ها): شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که از آن تأثیر می‌پذیرد.
- ✓ مجموعه پیش‌نیاز (تأثیرپذیری یا ورودی‌ها): شامل خود مؤلفه و مؤلفه‌هایی است که بر آن تأثیر می‌گذارند.

با توجه به ماتریس دریافتی نهایی، سطوح مؤلفه‌ها تعیین می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی زیادی هستند در سطوح ابتدایی و مؤلفه‌های که دارای قدرت نفوذ بالایی هستند در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی کم هستند در سطوح

بالاتر و مؤلفه‌های که دارای قدرت نفوذ پایینی هستند در بالاترین سطح قرار می‌گیرند. با این اوصاف تمام نه مؤلفه در سطح یک قرار می‌گیرند.

Interpretive – Structural – Model

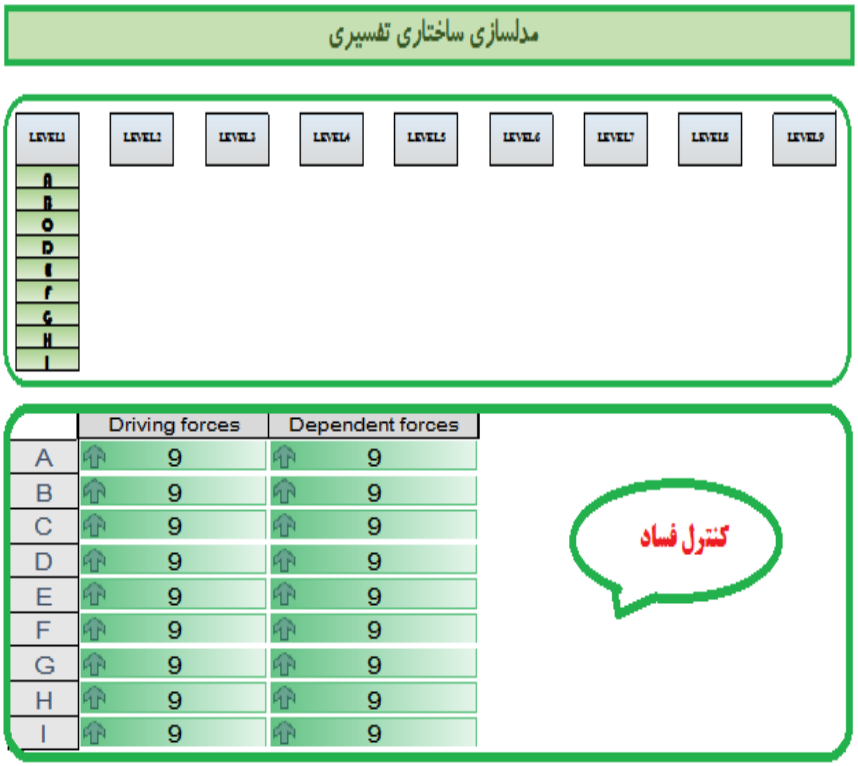

۴- یافته های تحقیق

مؤلفه‌ها در این تحلیل بر اساس میزان قدرت نفوذ و میزان قدرت وابستگی به چهار نوع؛ وابسته، خودمختار، مستقل و پیوندی تفکیک‌شده که هرکدام تفسیر خودشان را دارند: "مؤلفه‌های خودمختار" دارای میزان قدرت نفوذ و وابستگی ضعیف یا پایین هستند و به‌طورکلی تعامل اندکی با سایر مؤلفه‌ها دارند در واقع خودمختار و سوا از سیستم رفتار می‌کنند. "مؤلفه‌های وابسته" دارای قدرت نفوذ کم اما دارای نیروی وابستگی بالاتری نسبت به مؤلفه‌های دیگر هستند. "مؤلفه‌های پیوندی" حاوی قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن اینکه بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند؛ از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود؛ و نهایتاً "مؤلفه‌های مستقل" که از قدرت نفوذ زیاد، اما قدرت وابستگی کم برخوردار می‌باشند و با تغییر هریک از این مؤلفه‌ها می‌توان سایر مؤلفه‌ها را تحت تأثیر قرارداد.

پس از تعیین قدرت نفوذ و قدرت وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان تمامی مؤلفه‌ها را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش *MICMAC* قرار داد. در اینجا نکته مهمی که وجود دارد مشخص کردن مرز بین این چهار دسته است. بر روی ماتریس روش *MICMAC* نقاط مرزی معمولاً یک واحد بزرگ‌تر از میانگین تعداد مؤلفه‌ها است یعنی با تعداد $n = 9$ مؤلفه، خط مرزی برابر است با رابطه : $1+(n/2)$ یعنی : ۶ = ۵/۵ == (۹/۲)+۱ . بعد از رسم ماتریس و تعیین خطوط مرزی، مؤلفه‌ها بر اساس میزان نفوذ و وابستگی درون آن قرار می‌گیرد. بر اساس میزان نفوذ و وابستگی آن‌ها، هیچ مؤلفه ایی به عنوان مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار شناخته نشدند، تنها مؤلفه " کنترل فساد " به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شد.

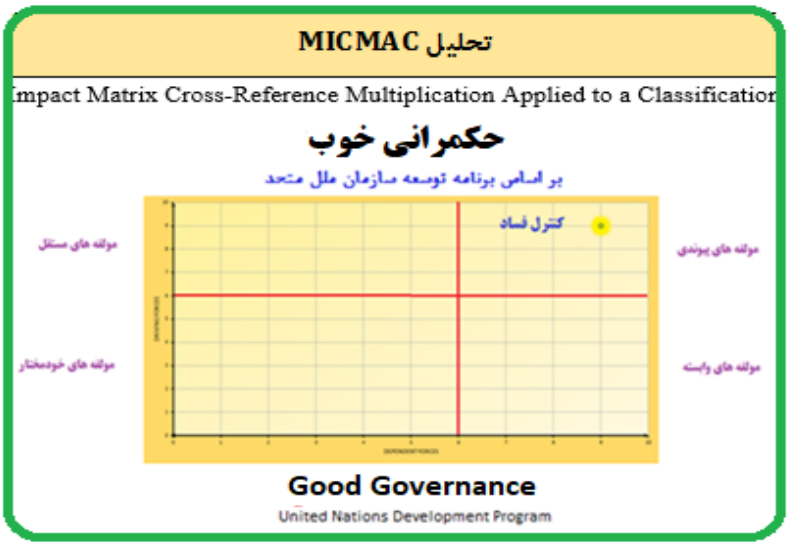

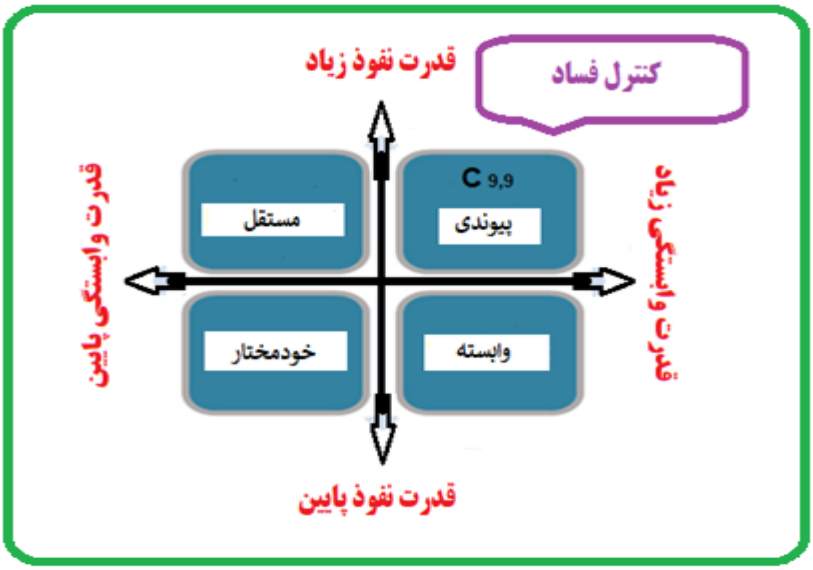

نمودار قدرت نفوذ – وابستگی نهایی

از یافته‌های تحقیق می‌توان به نتایج به این نکته اشاره کرد در این ماتریس مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر پایه عدالت برگرفته از برنامه توسعه سازمان ملل متحد و با توجه به قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر سطح‌بندی شده است. سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که همه نه مؤلفه در یک سطح قرار گرفتند. این سطح‌بندی نشان داد که هیچ مؤلفه‌ایی در چارچوب مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار تعریف و تعیین نشدند، اما تنها مؤلفه " کنترل فساد " به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین گردید که دارای قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن اینکه بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند؛ از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود... درواقع مطالعه نشان داد که علیرغم اینکه مؤلفه‌های تعریف‌شده بر حکمرانی عدالت پایه بی‌تأثیر نیستند؛ اما یافته جالب مطالعه حکایت از این دارد که حکمرانی خوب عدالت پایه در سایه کنترل فساد تحقق پیدا می‌کند که علاوه بر اینکه با مبانی نظری سازگار می‌باشد با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد. از یافته‌های تحقیق می‌توان به نتایج به این نکته اشاره کرد در این ماتریس مؤلفه‌های حکمرانی خوب بر پایه عدالت برگرفته از برنامه توسعه سازمان ملل متحد و با توجه به قدرت نفوذ و میزان وابستگی هر مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر سطح‌بندی شده است. سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که همه نه مؤلفه در یک سطح قرار گرفتند. این سطح‌بندی نشان داد که هیچ مؤلفه‌ایی در چارچوب مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار تعریف و تعیین نشدند، اما تنها مؤلفه " کنترل فساد"

به عنوان مؤلفه پیوندی تعیین گردید که دارای قدرت نفوذ و قدرت وابستگی زیادی بوده و ضمن اینکه بر تمامی مؤلفه تأثیرگذار می‌باشند؛ از تمامی مؤلفه‌های دیگر نیز تأثیرپذیر خواهند بود. درواقع مطالعه نشان داد که علیرغم اینکه مؤلفه‌های تعریف شده بر حکمرانی عدالت پایه بی‌تأثیر نیستند؛ اما یافته جالب مطالعه حکایت از این دارد که حکمرانی خوب عدالت پایه در سایه کنترل فساد تحقق پیدا می‌کند که علاوه بر اینکه با مبانی نظری سازگار می‌باشد با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد.

۵- بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بیشتر فساد به‌عنوان یکی از واقعیت‌های ناخوشایند جوامع امروزی، قارچ گونه در نظام‌های اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رخنه و رشد داشته است. چنانچه هیچ کشوری با هر سطحی از امکانات، ظرفیت‌ها و مواهب مادی انسانی از تبعات آن در امان نیست و قطعاً نمی‌تواند فساد را به‌طور کامل از بین ببرد بلکه شاید بتواند آن را حداقل نماید (الویی، ۲۰۱۹). در کنار موضوع فساد گسترده در تمامی جوامع، واژه حکمرانی و مهم‌تر حکمرانی خوب است که نقطه کانونی تمامی گفتمان‌های توسعه‌ایی از سالیان قبل و متمادی تا امروز را به خود اختصاص داده است. ماهیت پویای جامعه یکی از دلایل مبهم ماندن مفهوم «حکمرانی» است. اگر زمینه و شرایط دائماً در حال تغییر و تحول باشد - اقتصاد جهانی، تغییرات نهادی، وضعیت موجود نظامی، توافق‌نامه‌های تجاری جهانی، ارزش‌های اجتماعی و غیره - جای تعجب نیست که نظریه‌ها و مدل‌های حکمرانی دائماً محتوای آن‌ها را شکل می‌دهند. به‌عنوان‌مثال، پیچیدگی جامعه به‌عنوان یک موضوع بزرگ در علوم مدیریت، سیاسی و اجتماعی تکامل‌یافته است، اما درواقع بسیار اندک شناخته‌شده است که واقعاً این پیچیدگی را تشکیل می‌دهد، سیاست‌های عمومی چگونه با موضوع پیچیدگی برخورد می‌کنند؛ و چگونه حوزه حکمرانی در این تصویر قرار می‌گیرد. احساس می‌شود که مشکل پارادایم‌های ارزیابی خط‌مشی عمومی موجود و مدل‌های ارزیابی آن به‌ویژه این است که با چالش‌های اجتماعی کنونی، مشکلات پیوندهای نوظهور و مدل‌ها و نظریه‌های تبیین‌شده برای حکمرانی همخوانی ندارند. بنابراین، به راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که بحث آکادمیک و همچنین عملی پیرامون مفهوم حکمرانی به عنوان یک تمرین چندصدایی ادامه یابد. بااین‌حال، علی‌رغم تفاوت‌های تفسیری و زمینه‌ای، نظریه‌ها و مدل‌های حکمرانی، ارتباط نزدیکی با هم دارند، زیرا آن‌ها بر یک سیستم حاکمیت محلی متمرکزتر، یکپارچه و همچنین مدیریت شبکه‌ها در سطح جهانی تمرکز می‌کنند. بااین‌حال، قضاوت اینکه کدام نظریه تضمین می‌کند بسیار دشوار است:

- توسعه و توسعه پایدار
- ریشه‌کنی فقر
- کاهش/مبارزه با فساد
- ارتقای مشارکت مردم در توسعه
- تمرکززدایی و حکومت محلی نوآورانه/دموکراتیک
- حکومت دموکراتیک یا حکمرانی خوب

طبق نظر وایت و کیلیک[1](۲۰۰۱)، هیچ نظریه پذیرفته‌شده‌ای درباره حکمرانی وجود ندارد که سلسله مراتبی از علل را ایجاد کند و همچنین هیچ مدل پذیرفته‌شده‌ای وجود ندارد که بتواند به همان هدف عمل کند (به نقل از ورلین ۲۰۰۳). جمیل جریسات[2](۲۰۰۴، ص ۱۰۰۶) به طور دقیق‌تر بیان می‌کند که برای موفقیت هر سیستم حکمرانی ملی در جهانی که به طور فزاینده‌ای به‌هم‌پیوسته و به‌سرعت در حال تغییر است، نیاز به توسعه یک سیستم حکمرانی مبتنی بر فرآیند یادگیری و تصمیم‌گیری دارد تا بتواند کارآمد شود، قادر به رشد و انطباق با انتظارات شهروندان باشد و همچنین عملکرد مؤثر در سراسر تغییر مرزها و حدود داشته باشد. او همچنین استدلال می‌کند که در تقویت فعالیت‌های اصلاحی، مؤسسات عمومی باید بر فرآیند یادگیری درونی خود تکیه کنند و در عین حال با استانداردها و شیوه‌های بین‌المللی سازگار شوند (جریسات ۲۰۰۴، ص ۱۰۰۶). فرازمند (۲۰۰۲) این ایده را به طور بسیار مختصر به صورت «جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن» بیان می‌کند. با این اوصاف تعامل و ارتباط حکمرانی خوب و کنترل فساد از اهمیت زیادی برخوردار بوده و مطالعات و تحقیقات زیادی را به خود اختصاص داده است. یافته کلیدی مطالعه حاضر نشان داد که حکمرانی خوب در سایه کنترل فساد شکل می‌گیرد؛ بنابراین پیامدهای پژوهشی این مطالعه به شرح زیر فهرست شده‌اند:

- انعطاف‌پذیری و چابکی درونی «مفهوم حکمرانی» با در نظر گرفتن (الف) سلسله‌مراتب سیاسی-فرهنگی بین رژیم‌ها و سیستم‌های خط‌مشی و همچنین (ب) پراکندگی عمودی سطوح حکمرانی و مدیریت دولتی در محلی، منطقه‌ای، سطوح ملی و فراملی.
- نقش «کاربردهای» حکمرانی در سطوح مختلف دولت که در محیط‌های سازمانی و فضاهای خدمات عمومی مختلف با در نظر گرفتن نقش ترکیب برنامه‌های تحقیقاتی نظری، مفهومی و تجربی صورت می‌گیرد.

---

17. White and Killick
18. Jamil Jreisat

- پارادایم های رهبری و سلسله مراتب ساختار قدرت در مقابل تنظیمات نهادی مبتنی بر شبکه در حوزه حکمرانی و همچنین انعطاف‌پذیری سیاست‌های حکمرانی در عصر کنونی از مشکلات پیچیده پیوند و چالش‌های شدید حکمرانی سیستماتیک (مانند اینترنت چیزها، فناوری، دیجیتالی شدن و روباتیک) می‌باشد (ویرتانن و کی و-اوجا، ۲۰۱۵[19]).

نهایتاً اینکه از بعد مفهومی حکمرانی به شکلی تعریف می‌شود که در آن بخش‌های دولتی یا خصوصی، نه به‌طور جداگانه، بلکه در ارتباط با سایر کنشگران یا بازیگران جامعه، درگیر حل مسئله می‌شوند؛ بنابراین، این رویکرد، حکمرانی را به‌عنوان اشکالی از کنش چند سازمانی می‌بیند تا اینکه فقط نهادهای دولتی را درگیر کند (الفرگی،۲۰۱۷). در واقع، این نوع تعاریف نقش دولت را بازتعریف کرده و حکمرانی را از مدیریت دولتی سنتی متمایز کرده است و این نقطه شروع فکری و مفهومی برای ظهور حکومت عمومی جدید، پارادایم مدیریت بخش عمومی از آغاز هزاره است. در همین راستا، چارچوبی برای حکومت دموکراتیک از دیدگاه نهادی جدید علوم سیاسی ارائه کردند. دیدگاهی که تقویت دموکراسی، حکومت سیاسی را بهبود می‌بخشد. این وظیفه مستلزم توسعه است: هویت‌های دموکراتیک. توانایی برای اقدام سیاسی مناسب در میان شهروندان، گروه‌ها و نهادها؛ گزارش رویدادهای سیاسی؛ و یک سیستم سیاسی سازگار که با تغییر تقاضاها و محیط کنار می‌آید؛ بنابراین با یک ارتباط سلسله وار و اجماع کلیت شمول، متشکل از تمام کنشگران نهادی و مردمی، می‌توان فساد را کنترل نمود تا از این رهگذر حکمرانی خوب و عدالت پایه شکل بگیرد؛ بنابراین با وضع قوانین و مقررات به روز، کارآمد و درعین‌حال بازدارنده، فرهنگ‌سازی عمومی مبارزه با فساد در قاب رسانه‌های حقیقی و مجازی، شفاف‌سازی مدارک و مستندات مالی و انتشار آن، سیستمی کردن فرایند انجام امور و حذف آن به‌صورت چهره به چهره و افزایش نظارت و بازرسی‌های پیوسته و انتشار عمومی تخلفات می‌توان جهت تقلیل و کنترل فساد گام‌های اساسی برداشت.

19. Virtanen and Kaivo-oja

۶- منابع

۶-۱- منابع فارسی

مقاله‌ها

۱. علی اصغرزاده، بابک، فرامرز عطریان و غالم حسین مسعود.(۱۴۰۰). **تأملی بر جایگاه حق برتوسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها،** فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۷۳-۵۴,۴۵(۱۷).

۲. نصیری خلیلی، علی اکبر، احمدرضا بهنیافر و علی پور قصاب امیری (۱۳۹۹). **بررسی ابعاد و مولفه‌های حاکمیت قانون در توسعه فراگیر**. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۹۷-۵۲,۱۱۷.

References (in Persian)

۶-۲-منابع فارسی به لاتین

1. Nasiri Khalili,ali Akbar,Behniafar,Ahmad Reza,Alipor, Ghasab Amiri.(2020). Investigating the dimensions and components of the rule of law in inclusive development and its political consequences.Political Science Quarterly,52(16),97-117.[In Persian].
2. Abdollahipour,Hamze,Atrian,Faramarz,Masuod,Gholam Hosein.(2021).Reflections on the Position of the Right to Sustainable Development with an Approach to the Role of Governments. Political Science Quarterly,54(17),45-73.[In Persian].

۶-۳-منابع لاتین

1. Addink, Henk. Good Governance, Concept and Context. Oxford: Oxford University Press, 2019.
2. Alfararghi, Saad, (2017). First Report of the Special Rapporteur on the Right to Development, A/ HRC/36/49, Geneva: Human Right Council.
3. Aloui, Zouhaier. (2019). “The impact of governance on poverty reduction: Are there regional differences in Sub-saharan Africa?. Munich Personal RePEc Archive, Paper No. 94716, 1-22.
4. Asiedu, Elizabeth, Claire Branstette, Neepa Gaekwad Babulal & Nanivazo Malokele, (2018). “The Effect of Women’s Representation in Parliament and the Passing of Gender Sensitive Policies”, Issues on African Development Economics Association, 2018 and I, 1-38.Peters.
5. Farazmand A (2002) Privatization and globalization: a critical analysis with implications of public management education training. Int Rev Adm Sci 68(3):355–371.
6. Farazmand A (2012) Sound governance: engaging citizens through collaborative organizations. Public Org Rev 12:223–241.
7. Farazmand A (2013) Governance in the age of globalization: challenges and opportunities for South and Southeast Asia. Public Org Rev 13:349–363.
8. Graham J, Plumptre TW, Amos B (2003) Principles for good governance in the 21st century. Institute on governance, Ottawa.

9. Haque MS (1996) The contexless nature of public administration in third world countries. Int Rev Adm Sci 62(3):315–329.
10. Haque SKTM (2011) The normative roots of governance theories: prospects and challenger from Bangladesh.
11. Hye HA (2000) Governance: South Asian perspectives. University Press Limited, Dhaka.
12. Jreisat J (2004) Governance in a globalizing world. Int J Public Adm 27(13&14):1003–1029.
13. Kaltenborn, Markus, Markus Krajewski and Heike Kuhn (2020). Sustainable Development Goals and Human Rights, Cham: Springer, 5.
14. Kooiman J (1993) Modern governance: new- government society relations. Sage, London.
15. Kruiter A (1996) Good governance for Africa: whose governance? Unpublished paper, Maastricht, European Center for Development Policy Management.
16. Pierre J, Peters GB (2000) Governance, politics and the state. St. Martin's Press, New York.
17. Rhodes RAW (2001) What is government and why does it matter? In: Hayward JES, Menon A (eds) Governing Europe. Oxford University Press, Oxford
18. Schneider V (2004) State theory, governance and the logic of regulation and administrative control. In: Warntjen A, Wonka A (eds) Governance in Europe. Nomos, Baden-Baden.
19. Tiihonen S (2004) From governing to governance. Tampere University Press, Tampere
20. Tuurnas S (2016) The professional side of co-production. Acta Universitatis Tamperensis 2163. University Press,Tampere.
21. UNDP (1997) Good governance and sustainable human development, a UNDP policy documents.
22. UNDP (2002) Human development report, deepening democracy in fragmented world. Oxford University Press, New York (on line collection).
23. Vartola J et al (2010) Towards good governance in South Asia: an introduction. In: Vartola J, Lumijarvi I, Asaduzzaman M (eds) Towards good governance in South Asia. University of Tampere Press, Finland.
24. Werlin HH (2003) Poor nations, Rich nations: a theory of governance. Public Adm Rev 63(3):329–342.
25. World Bank (1997) World development report 1997. http // www.decentralization.ws/srcbook/overview.pdf, Decentralization: an overview. Accessed 6 Apr 2015.
26. Zafarullah H, Huque AS (2001) Public management for good governance: reforms, regimes, and reality in Bangladesh. Int J Public Adm 24(12):1379–1403.